

پیشگفتار

گرایش به حقیقت‌جویی و کنجکاوی از یک طرف و گرایش به زیبایی‌جویی و زیبایی‌دوستی از طرف دیگر باعث شده است انسانها از گذشته‌های دور به پرسشهای زیباشناختی مانند اینها روی بیاورند: زیبایی چیست و چند قسم است؟ منشأ زیبایی چیست؟ آثار و تأثیرات زیبایی بر روح و روان انسانها چیست؟ هنر چیست؟ منشأ هنر چیست؟ مجموعه این پرسشها و نظریه‌هایی که در پاسخ به آنها داده شده، یک حوزه معرفتی به وجود آورده است که امروزه ما آن را به اسم زیبایی‌شناسی می‌نامیم.

هرچند مباحث مدون و مکتوب راجع به زیبایی‌شناسی در آثار افلاطون و ارسطو و دیگر فیلسوفان یونان باستان به شکل قابل توجه و عمیق یافت می‌شود؛ اما این مباحث تا قرن هجدهم به صورت یک قلمرو معرفتی مستقل در نیامده بود. واژه aesthetic نخستین بار توسط الکساندر بامگارتن در قرن هجدهم به کار رفت. او در کتابی به همین نام نخست واژه aesthetic را در معنای شناخت حسی و پس از آن در معنای ادراک زیبایی حسی یا زیبایی محسوس به ویژه زیبایی محسوس هنری به کار برد. ایمانوئل کانت با به کار بردن این واژه در احکام زیبایی‌شناختی اعم از زیبایی طبیعی و هنری رواج و رونق بیشتری به استعمال این واژه بخشید و به تدریج این اصطلاح، عنوان شاخه‌ای از فلسفه شد که به بحث پیرامون زیبایی و هنر می‌پردازد. امروزه در دنیای غرب زیبایی‌شناسی یا علم الجمال که در دهه‌های معاصر تا حدودی مترادف با فلسفه هنر به کار می‌رود، تبدیل به یک حوزه معرفتی بسیار گسترده شده است. یک علت این امر افزایش چشمگیر حضور هنر در زندگی انسان معاصر است.

در دنیای اسلام با وجود اینکه مطالب بسیار ژرفی هم در متون دینی اعم از قرآن کریم و احادیث و هم در متون فلسفی و عرفانی راجع به زیبایی‌شناسی هست؛ اما این مباحث تبدیل به یک شاخه مستقل از علوم و معارف نشده است چنان‌که در سایر شاخه‌های فلسفی مانند معرفت‌شناسی و فلسفه‌های مضاف مانند فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی هم وضع به همین منوال است.

نوشته حاضر گام کوچکی در راستای تدوین زیبایی‌شناسی از منظر فیلسوفان مسلمان است. در این نوشتار ضمن ارائه تحلیلها و تبیینهای گسترده از مطالب مندرج راجع به زیبایی‌شناسی در آثار سه فیلسوف بزرگ مسلمان: ابن‌سینا، شیخ اشراق و صدرالمتألهین، تلاش شده است عین متن و مطالب آن بزرگان درباره مباحث زیبایی‌شناسی در منظر اهل فضل و اندیشه قرار گیرد تا زمینه برای تحلیلها و تفسیرهای متنوع و گسترده فراهم شود.

جایگاه ویژه ابن‌سینا در فلسفه اسلامی سبب شده است اکثر مباحث بنیادین زیبایی‌شناسی مانند بحث ماهیت زیبایی، بحث خیال و فلسفه شعر به صورت مبسوط در فصل اول مطرح شود.

در فصل دوم بحثهای بیان‌گروی و رمز و نماد در آثار شیخ اشراق به طور مفصل مطرح شده و هرچند به لحاظ کمی این فصل کم‌حجم‌تر از دو فصل دیگر است، اما به لحاظ محتوا همه مباحث اختصاصی مربوط به زیبایی‌شناسی را در مکتب اشراق شامل می‌شود.

بحث منشأ هنر، فلسفه عشق، و مفاهیم زیبایی‌شناختی در آثار صدرالمتألهین بیشتر از آثار دیگر فلاسفه مطرح شده و به همین دلیل در فصل سوم به صورت مبسوط به این مباحث پرداخته شده و همین باعث حجیم‌تر شدن فصل سوم شده است.

در پایان از سرور ارجمند حضرت حجة الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی رئیس محترم سازمان سمت و دیگر فرهیختگان این سازمان به خصوص خانم دکتر سیمین عارفی و خانم لیلا شرف (کارشناس گروه فلسفه) و همه دست‌اندرکاران ویرایش و نشر این اثر کمال سپاس و قدردانی را دارم.